

ارزیابی ظرفیت‌های توسعه‌ی اکوتوریسم در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه با تأکید بر اجتماع محلی

فاطمه حلاجی^۱، مصطفی قدمی^۲، صدرالدین متولی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۱

چکیده

تحقیق حاضر می‌کوشد با توجه به وضعیت اجتماع محلی، ظرفیت‌های توسعه‌ی اکوتوریسم را در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه شناسایی کند؛ به عبارت دیگر، مسأله‌ی اصلی تحقیق حاضر این است که حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه در شرایط فعلی از چه ظرفیت‌هایی برای توسعه‌ی اکوتوریسم به‌عنوان اهرمی جهت احیای اقتصادی-اجتماعی برخوردار است؟. دریاچه‌ی ارومیه یکی از بزرگ‌ترین دریاچه‌های ایران و مقصد نهایی مجموعه‌ای از رودخانه‌های شمال غرب کشور است که در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی این منطقه، اهمیت زیادی دارد. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی درصدد یافتن راه حلی پایدار و مؤثر در جهت احیای اقتصادی-اجتماعی دریاچه‌ی ارومیه است و به شناسایی ظرفیت‌های اکولوژیک دریاچه و حوضه‌ی آن در راستای کمک به اجتماع محلی می‌پردازد. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل همه‌ی ذی‌نفعان مرتبط با احیای دریاچه‌ی ارومیه و ظرفیت‌های توسعه‌ی اکوتوریسم در این منطقه است. بر اساس نتایج ارزیابی عوامل درونی و بیرونی، مناسب‌ترین استراتژی توسعه‌ی اکوتوریسم در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه، از نوع انطباقی است که در بین استراتژی‌های ارائه‌شده، استراتژی شکل‌گیری مدیریت یکپارچه با کارکرد بین استانی احیای دریاچه‌ی ارومیه در راستای نیل به توسعه‌ی پایدار حوضه به‌عنوان مناسب‌ترین استراتژی توسعه‌ی اکوتوریسم در حوضه‌ی دریاچه پیشنهاد گردیده است. در پایان با توجه به هدف تحقیق، با استفاده از استراتژی کلیدی به معرفی ظرفیت‌های توسعه‌ی اکوتوریسم در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه (مانند پرنده‌نگری در تالاب‌های اقماری دریاچه) و ارائه‌ی استراتژی‌های بخشی برای توسعه‌ی اکوتوریسم پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: اکوتوریسم، اجتماع محلی، دریاچه‌ی ارومیه، مدیریت یکپارچه، پرنده‌نگری.

halladj.48@gmail.com

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد اکوتوریسم دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور (نویسنده‌ی مسؤول)

m.ghadami@umz.ac.ir

^۲ دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مازندران

s_motevalli@iaunour.ac.ir

^۳ دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور

مقدمه

دریاچه‌ی ارومیه بیستمین دریاچه‌ی دائمی دنیا و دومین دریاچه‌ی فوق اشباع (فوق شور) جهان پس از بحرالمت است. این دریاچه یکی از بزرگ‌ترین دریاچه‌های ایران و مقصد نهایی مجموعه‌ای از رودخانه‌های شمال غرب کشور است که در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی این منطقه، اهمیت زیادی دارد (عباس‌پور و نظری‌دوست، ۲۰۰۷). نکته‌ی حائز اهمیت درباره‌ی دریاچه‌ی ارومیه، آب و لجن این دریاچه است که به سبب فراوانی املاح مفید و بسیار غنی آن، شفافیتش بوده و برای برخی امراض جلدی و روماتیسمی فوق‌العاده سودمند است (زنده‌دل و همکاران، ۱۳۸۷). از این رو، هرساله هزاران نفر برای شفایابی و درمان انواع ناراحتی‌ها و رفع خستگی، به سواحل آرام و زیبای دریاچه پناه می‌آورند. به‌علاوه، دریاچه‌ی ارومیه به سبب برخورداری از طبیعت بکر و نیز وجود اکوسیستم آب شور و املاح زیاد و در نتیجه پایین بودن درجه‌ی انجماد آب، منطقه را دارای جاذبه‌های خاصی برای گونه‌های کثیری از پرندگان مهاجر کرده و زمینه‌ی زادآوری و زمستان‌گذرانی را فراهم ساخته است. همچنین جزایر داخل دریاچه به خاطر داشتن پوشش گیاهی مناسب و برخورداری از جایگاه قانونی پارک ملی، به زیستگاه مناسبی برای حیات وحش تبدیل شده‌اند. مجموعه شرایط فوق سبب شده بود که این منطقه در گذشته‌ی نه چندان دور به یکی از مقاصد عمده‌ی گردشگری و اکوتوریسم تبدیل شود.

اما وضعیت افت تراز آب دریاچه و فرایند تدریجی خشک شدن آن در طی سال‌های اخیر، از یک‌سو مشکلات مهم زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی برای منطقه و از سوی دیگر، نگرانی‌های ملی و بین‌المللی به همراه داشته است. درباره‌ی علل خشک شدن دریاچه می‌توان به عوامل گوناگونی اشاره کرد؛ عواملی نظیر تغییر اقلیم، نحوه‌ی بهره‌برداری از منابع آب حوضه، مداخلات انسانی در زمینه‌ی احداث سدهای فراوان، ساخت راه میان‌گذر در درون دریاچه و نابسامانی در الگوی کشت. کشاورزی در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه طی دهه‌های اخیر دچار تغییرات شدید و افزایش قابل توجهی - از جمله افزایش کشت آبی در حوضه‌ی دریاچه - شده است. بدیهی است که این تغییرات، افزایش مصرف آب را در پی داشته است.

مجموعه‌ی این عوامل سبب شده که دریاچه‌ی ارومیه طی یک دهه‌ی گذشته دچار روند تدریجی خشک شدن گردد. طی چند سال اخیر تلاش‌هایی از سوی برخی سازمان‌ها برای احیای دریاچه شروع شده که عمده‌ی این تلاش‌ها معطوف به ملاحظات فنی و زیست‌محیطی بوده و کم‌تر به ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی توجه شده است. در این میان، نوعی غفلت از نقش

گردشگری و مجموعه‌ی ظرفیت‌های حوضه‌ی مورد مطالعه در راستای توسعه‌ی اکوتوریسم، صورت گرفته است. بنابراین، تحقیق حاضر می‌کوشد با توجه به وضعیت اجتماع محلی، ظرفیت‌های توسعه‌ی اکوتوریسم را در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه شناسایی کند؛ به عبارت دیگر، مسأله‌ی اصلی تحقیق حاضر این است که حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه در شرایط فعلی از چه ظرفیت‌هایی برای توسعه‌ی اکوتوریسم به عنوان اهرمی جهت احیای اقتصادی-اجتماعی برخوردار است؟.

پژوهش حاضر کوشیده راه حلی پایدار و مؤثر در راستای احیای اقتصادی-اجتماعی دریاچه‌ی ارومیه ارائه دهد و به شناسایی ظرفیت‌های اکولوژیک دریاچه و حوضه‌های آن در جهت کمک به اجتماع محلی بپردازد. اهمیت و ضرورت این تحقیق ناشی از آن است که با عنایت به توانمندسازی اجتماع محلی سعی کرده به فرایند احیای دریاچه کمک کند. به علاوه کوشیده تا ظرفیت‌های توسعه‌ی اکوتوریسم را با هدف حفظ محیط زیست و کمک به اقتصاد محلی در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه معرفی نماید.

پیشینه‌ی پژوهش

هایومبه و همکاران او^۱ (۲۰۱۴) به بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی- فرهنگی در ترویج اکوتوریسم در کشور کنیا پرداخته‌اند. تأکید اصلی این مقاله بر استفاده از هویت فرهنگی در زمینه‌ی ترویج اکوتوریسم در بین مردم محلی بوده و از روش مردم‌نگاری برای جمع‌آوری داده‌های خود استفاده کرده است. در نهایت، محققان از هویت فرهنگی سایت‌ها به عنوان مکانیسمی برای حفاظت از سایت و ایجاد برند برای آن بهره گرفته و پتانسیل‌های هویت فرهنگی را برای ترویج اکوتوریسم در کشور کنیا شناسایی کرده‌اند.

علاءالدین اوغلو و همکارانش^۲ (۲۰۱۳)، ویژگی‌ها، انگیزه‌ها و فعالیت‌های اکوتوریست‌ها را در حوضه‌ی دریاچه‌ی وان در کشور ترکیه بررسی کرده‌اند. نمونه‌ی آماری این تحقیق شامل همه‌ی افرادی بوده که از دریاچه‌ی وان بازدید داشته‌اند. در مجموع، حدود ۳۰۶ گردشگر داخلی و خارجی، پرسش‌نامه‌ی محققان را از طریق مصاحبه‌ی چهره به چهره تکمیل کردند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، انگیزه‌های اصلی اکوتوریست‌ها از سفر عبارت بود از: اکتشاف طبیعت،

^۱ Hayombe et al

^۲ Alaeddinoglu et al

بازدید از سایت‌های تاریخی، تجربه‌ی امور جدید و یادگیری فرهنگ مردم محلی. گردشگران خارجی بر بازدید از اماکن تاریخی و مذهبی تأکید بیش‌تری داشتند، اما گردشگران داخلی برای ملاقات با دوستان و خرید، اهمیت بیش‌تری قائل بودند. پژوهشگران در انتهای تحقیق کوشیدند اکوتوریست‌ها را به سه دسته‌ی کلی اتّفاقی، اصلی و هدفمند تقسیم کنند. در مجموع، میزان رضایت این اکوتوریست‌ها از شرایط دریاچه‌ی وان قابل قبول بوده است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از آن‌ها تمایل داشتند که مجدداً از این منطقه بازدید کنند و بازدید از آن را به دیگران نیز توصیه نمایند.

ژائو^۱ (۲۰۱۲) به بررسی فرصت‌های اکوتوریسم در دریاچه‌ی ردبری^۲ در منطقه‌ی ساسکواچوان در کانادا پرداخته است. به اعتقاد او، در شرایط فعلی در حوضه‌ی این دریاچه صرفاً بر یک نوع از پروژه‌های اکوتوریستی (یعنی برنامه‌های کوهنوردی) تأکید شده است، در حالی‌که می‌توان فرصت‌های دیگری را نیز در این زمینه شناسایی کرد. هم‌چنین اکوتوریسم موجود عمدتاً بر عناصر طبیعی (نظیر گیاهان و پرندگان) تأکید دارد، اما می‌توان از عناصر فرهنگی نظیر معماری سنتی و غارهای کهن نیز در زمینه‌ی توسعه‌ی اکوتوریسم استفاده نمود. این عناصر فرهنگی در صورت تبلیغات می‌توانند پتانسیل زیادی برای اکوتوریسم داشته باشند. به‌علاوه، خدمات اطلاع‌رسانی اکوتوریسم باید به صورت کامل و همه‌جانبه باشد. اطلاعات و داده‌های لازم برای این مطالعه، از طریق مصاحبه با مردم محلی و بومی به‌دست آمد. در نهایت، محقق منابع بالقوه‌ی اکوتوریستی را طبقه‌بندی نموده و روش‌های بازاریابی و توسعه‌ی ظرفیت‌های اکوتوریستی را پیشنهاد کرده است.

گالاهر^۳ (۲۰۰۷) در مطالعه‌ی خود، نقش اکوتوریسم را در بهبود اکولوژیک مناطق محافظت‌شده در کاستاریکا بررسی کرده است. به عقیده‌ی او، در شرایط کنونی اقتصاد جهانی، ایجاد پیوند میان توسعه‌ی اقتصادی و محافظت از محیط زیست، وظیفه‌ای دشوار است. این دشواری در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه به‌مراتب بیش‌تر می‌شود. به همین سبب اکوتوریسم را می‌توان راه حلی برای ایجاد پیوند میان توسعه و پایداری تلقی کرد. اکوتوریسم با حمایت از رشد اقتصادی، فرهنگ محلی، تنوع زیستی و متنوع‌سازی معیشت مردم می‌تواند به این

¹ Xi Zhao

² Redberry Lake

³ Joanne Gallaher

اهداف مختلف دست یابد. این مطالعه به بررسی این نکته پرداخته که کدام ویژگی اکوتوریستی می‌تواند به بالاترین سطح بهبودی منجر شود.

احمدی (۱۳۸۸) در پژوهش خود به شناسایی نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها، تهدیدها و راهکارهای توسعه‌ی اکوتوریسم در تالاب چغاخور پرداخته است. محقق ضمن معرفی این تالاب به‌عنوان یکی از مناطق گردشگری نمونه‌ی استان چهارمحال و بختیاری، مشکلات و تنگناهای موجود از نظر امکانات و زیرساخت‌های گردشگری و نیز پتانسیل‌های توسعه‌ی اکوتوریسم را بررسی کرده و پیشنهادهایی در زمینه‌ی رفع موانع توسعه‌ی اکوتوریسم و در نهایت طراحی دهکده‌ی توریستی جذاب بر اساس داده‌های محیط، ارائه داده است. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی-توصیفی و علی است که محقق ضمن مطالعات میدانی و بررسی اسناد و آمار با استفاده از نرم‌افزار آماری spss و نیز با استفاده از نرم‌افزار نقشه‌کشی، به تجزیه و تحلیل و ترسیم نقشه‌های مختلف پرداخته است. بر اساس نتیجه‌ی پژوهش، ضعف امکانات زیرساختی و خدمات گردشگری، ضعف آموزش، ضعف مدیریت، عدم سرمایه‌گذاری در این بخش، تداخل وظایف سازمان‌ها و تبلیغات ضعیف، در توسعه‌نیافتگی اکوتوریسم تالاب چغاخور مؤثر بوده‌اند. همچنین محقق به این نتیجه رسیده که تالاب از توان و ظرفیت بالایی برای توسعه‌ی اکوتوریسم و بهبود اقتصادی-اجتماعی اهالی و در نهایت توسعه‌ی پایدار منطقه برخوردار است. بنابراین، در صورت ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز، برنامه‌ریزی، مدیریت و تبلیغات کافی، مشارکت دادن مردم و ایجاد دهکده‌ی توریستی، اکوتوریسم تالاب چغاخور توسعه خواهد یافت و توسعه‌ی آن نیز به توسعه‌ی منطقه‌ای خواهد انجامید.

آقایی (۱۳۹۰) در پژوهش خود کوشیده توسعه‌ی اکوتوریسم استان اردبیل را با استفاده از روش برنامه‌ریزی استراتژیک بررسی کند و برای توسعه‌ی اکوتوریسم در استان، راهبردهای مناسبی ارائه دهد. هدف کلی پژوهش، شناخت امکانات موجود و برآورد نیازهای آتی همراه با شناخت راهکارها و راهبردهای توسعه‌ی اکوتوریسم استان در جهت کمک به توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. این پژوهش با توجه به نوع هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش نیز از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی بوده که با استفاده از مطالعات میدانی به بررسی موضوع پرداخته و در پایان با بهره‌گیری از روش برنامه‌ریزی استراتژیک SWOT، توسعه‌ی اکوتوریسم را در استان مورد بررسی قرار داده است. جامعه‌ی آماری تحقیق، متخصصان گردشگری و گردشگران استان بوده‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، میزان آگاهی گردشگران، مدیران و

مردم محلی، تأثیر مستقیمی در توسعه‌ی اکوتوریسم استان دارد. از نتایج دیگر این پژوهش می‌توان به معنادار بودن ایجاد و توسعه‌ی اکوتوریسم از طریق بهبود نقاط قوت و نیز برتری نقاط قوت و فرصت توسعه‌ی اکوتوریسم در استان بر نقاط ضعف و تهدید آن، اشاره کرد.

برومند امید (۱۳۹۲) تأثیر مشارکت مردم محلی را بر توسعه‌ی اکوتوریسم در شهرستان لنگرود مطالعه کرده است. محقق در این پژوهش، در پی شناخت تأثیر مشارکت (با تأکید بر مشارکت مردم محلی) در اکوتوریسم با مطالعه‌ی موردی بخش اطاق‌ور شهرستان لنگرود بوده است. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی (پیمایشی) بوده و داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به‌دست آمده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها نیز از ضریب هم‌بستگی پیرسون و تکنیک رگرسیون استفاده شده است. بر پایه‌ی نتایج این پژوهش، میزان مشارکت مردم محلی در ایجاد بسترهای اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، کالبدی و زیرساختی در توسعه‌ی اکوتوریسم در سطح بالایی قرار دارد. در زمینه تأثیر اکوتوریسم بر توسعه، ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، کالبدی و زیرساختی، به ترتیب قرار گرفته‌اند. هم‌چنین نتایج تحقیق نشان داده که بین جنسیت، سن و گروه‌های تحصیلی، و میزان مشارکت در توسعه‌ی اکوتوریسم تفاوت معناداری وجود دارد.

حسنوند (۱۳۹۰) در تحقیقی به تحلیل و برنامه‌ریزی توسعه‌ی اکوتوریسم با تأکید بر آبشارهای استان لرستان پرداخته است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی و ارزیابی وضعیت آبشارهای استان لرستان به منظور برنامه‌ریزی توسعه‌ی اکوتوریسم در استان و ارائه‌ی راهکارهایی برای پایداری محیط و بهبود وضع اقتصادی جوامع محلی بوده است. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی و میدانی بوده و برای رسیدن به اهداف و فرضیه‌های پژوهش، از تدوین و تکمیل دو طیف مختلف پرسش‌نامه (مسئولان و گردشگران) استفاده گردیده است. هم‌چنین برای تجزیه و تحلیل‌های آماری پژوهش از نرم‌افزارهای آماری بهره گرفته شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داده که بین دو متغیر تأثیر آبشارها و جاذبه‌های طبیعی استان و مطرح شدن استان به‌عنوان قطب اکوتوریستی کشور، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به‌علاوه، توسعه‌ی گردشگری و اکوتوریسم می‌تواند زمینه‌ساز توسعه‌ی اجتماعی- اقتصادی جوامع محلی در استان باشد.

معرفی محدوده‌ی مورد مطالعه

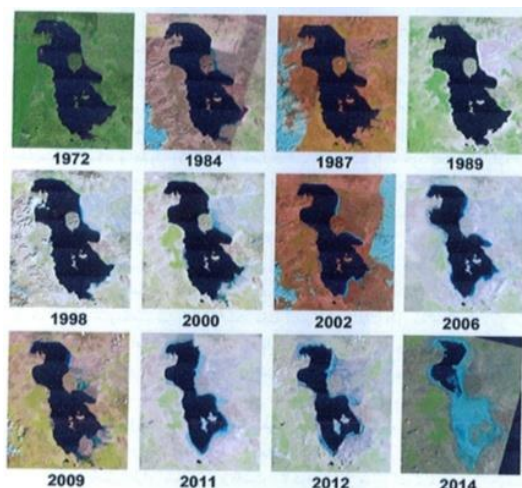
دریاچه‌ی ارومیه در شمال غربی ایران، در بین دو استان آذربایجان غربی و شرقی و در نزدیکی شهر ارومیه قرار دارد. این دریاچه با طولی حدود ۱۴۶ کیلومتر، عرض حداکثر ۵۸ کیلومتر و مساحتی حدود ۵۷۵۰ کیلومتر مربع، بزرگ‌ترین دریاچه‌ی داخل ایران و یکی از دریاچه‌های فوق شور جهان است. دریاچه‌ی ارومیه از نوع بسته با حداکثر عمق ۱۶ متر است و تراز سطح آب آن حدود ۱۲۷۰ متر از سطح آب‌های آزاد است. در این دریاچه، ۱۰۲ جزیره وجود داشته که بزرگ‌ترین آن جزیره‌ی اسلامی بوده است. این مجموعه‌ی غنی، توسط سازمان یونسکو به‌عنوان ذخیره‌ی بیوسفر^۱ شناخته شده و جزء تالاب‌های بین‌المللی تحت کنوانسیون رامسر قرار دارد. منابع آبی ورودی به دریاچه شامل رودخانه‌های دائمی و فصلی و ریزش‌های مستقیم باران است. مهم‌ترین رودخانه‌هایی که مستقیماً به دریاچه‌ی ارومیه می‌ریزند، عبارتند از: زرینه‌رود، سیمینه‌رود، مهاباد چای، شهرچای، باراندوز، نازلو و آجی‌چای. این حوضه‌ی آبی در بین سه استان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و کردستان قرار دارد. آب دریاچه بی‌نهایت شور و میزان نمک آن چند برابر اقیانوس‌هاست.

نکته‌ی حائز اهمیت درباره‌ی دریاچه‌ی ارومیه، آب و لجن این دریاچه است که به سبب فراوانی املاح مفید و بسیار غنی آن، شفافیتش بوده و برای برخی امراض جلدی و روماتیسمی فوق‌العاده سودمند است (هوشیاری و محمدی، ۲۰۰۹). از این نظر، پیش از مرحله‌ی خشکی شدید دریاچه، هر ساله هزاران نفر برای شفایابی و درمان انواع ناراحتی‌ها یا تمدد اعصاب و رفع خستگی به سواحل آرام و زیبای آن پناه می‌آوردند.

خشک شدن دریاچه‌ی ارومیه

در زمینه‌ی علل خشک شدن دریاچه‌ی ارومیه، از تغییر اقلیم و نحوه‌ی بهره‌برداری از منابع آب حوضه، بیش‌تر از سایر عوامل یاد می‌شود. شکل زیر نشان‌دهنده‌ی روند خشکی دریاچه طی چهار دهه‌ی اخیر است.

^۱ Biosphere Reserve



شکل شماره‌ی یک- روند خشکی دریاچه‌ی ارومیه در چهار دهه‌ی اخیر

بنا بر گزارش ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه (۱۳۹۴)، از عوامل اصلی مؤثر در روند خشکی این دریاچه می‌توان به برداشت‌های بیش از حد مجاز از منابع آب تجدیدپذیر حوضه اشاره کرد. توسعه‌ی نامتوازن در بخش کشاورزی و احداث چاه‌های مجاز و غیرمجاز بیش از حد ظرفیت حوضه، از دیگر دلایل این خشکی به‌شمار می‌آیند. در کنار عوامل انسانی، عوامل طبیعی نظیر تغییرات اقلیمی و استمرار خشک‌سالی نیز در فرایند خشکی دریاچه مؤثر بوده‌اند. روی آوردن به کشت‌هایی با نیاز آبی زیاد، یکی از سیاست‌های نادرستی است که در حوزه‌ی کشاورزی منطقه اتفاق افتاده است.

دریاچه‌ی ارومیه یکی از بزرگ‌ترین دریاچه‌های ایران و مقصد نهایی مجموعه‌ای از رودخانه‌های شمال غرب کشور است و در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی این منطقه، اهمیت بسیاری دارد. وضعیت افت تراز آب دریاچه و فرایند تدریجی خشک شدن آن در سال‌های اخیر، مشکلات مهم اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی برای منطقه و نیز نگرانی‌های ملی و بین‌المللی به همراه داشته است.

چالش‌های کنونی دریاچه‌ی ارومیه و آسیب‌های ناشی از تداوم خشکی آن

مهم‌ترین خطرات و آسیب‌های ناشی از تداوم خشکی دریاچه‌ی ارومیه را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱. ایجاد ریزگردهای نمکی ناشی از توسعه‌ی کانون‌های تولید ریزگرد در دریاچه‌ی ارومیه و مناطق شوره‌زار مجاور آن.
۲. بیابان‌زایی و توسعه‌ی آن به سوی محدوده‌های کشاورزی و مسکونی.
۳. بروز بیماری‌های صعب‌العلاج در منطقه.
۴. از بین رفتن اراضی کشاورزی و تأثیرات منفی بر بخش کشاورزی حوضه.
۵. افزایش مهاجرت از مناطق مجاور دریاچه به‌ویژه تخلیه‌ی روستاهای نزدیک دریاچه.
۶. تشدید تغییر و نوسانات اقلیمی در منطقه.
۷. از بین رفتن اراضی و باغات کشاورزی به‌ویژه در مناطق مجاور دریاچه و افزایش بیماری‌های دامی.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است. از آن‌جا که پژوهش کیفی راهی برای رسیدن به محتوای ذهنی افراد است و آن را نمی‌توان از طریق روش‌های سخت و دقیق کمی انجام داد، ابزارها و روش‌های آن نیز بسیار متفاوت هستند. در این مطالعه، با تکیه بر روش‌های کیفی، از تکنیک مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته، فردی و گروهی و نیز مشاهده استفاده شده است.

جامعه‌ی آماری تحقیق شامل همه‌ی ذی‌نفعان مرتبط با احیای دریاچه‌ی ارومیه و ظرفیت‌های توسعه‌ی اکوتوریسم در این منطقه بوده است. این ذی‌نفعان عبارتند از: مسئولان اداری-اجرایی نظیر مدیران و کارشناسان دستگاه‌های دولتی‌ای چون ستاد احیای دریاچه، استانداری، سازمان حفاظت از محیط زیست، سازمان گردشگری، سازمان جهاد کشاورزی و ... و نیز سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلات محلی.

بدین ترتیب در تحقیق حاضر، در انتخاب افراد از نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله‌برفی استفاده شده و نمونه‌گیری با حصول اشباع نظری پایان یافته است. این اشباع نظری پس از انجام بیست مصاحبه‌ی انفرادی و نیز انجام مصاحبه‌ی گروهی با سی نفر در قالب پنج جلسه گفتگو حاصل شده است. در مصاحبه‌های گروهی، سه جلسه مصاحبه در مناطق روستایی و دو جلسه مصاحبه در مناطق شهری صورت گرفته است. اطلاعات حاصل از گفتگو با افراد در مصاحبه‌ی فردی به مدت حدود دو هزار دقیقه و در مصاحبه‌ی گروهی به مدت نهصد دقیقه به‌دست آمده است. مصاحبه‌های ضبط‌شده پس از مکتوب شدن، چندین بار مرور شده و به شیوه‌ی تحلیل

مضمون، دلالت‌های صریح و ضمنی در نظرات مصاحبه‌شوندگان بر مبنای هریک از محورهای مورد نظر، استخراج گردیده‌اند.

هم‌چنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک‌های SWOT, IEA, EIA, QSPM که در ارزیابی‌های استراتژیک بسیار پرکاربرد هستند، استفاده شده است.

سؤالات پژوهش

۱. ظرفیت‌های توسعه‌ی اکوتوریسم دریاچه‌ی ارومیه و حوضه‌های آن با توجه به وضعیت اجتماع محلی در چه سطحی است؟
۲. استراتژی‌های کارآمد برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های مثبت حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه در راستای توسعه‌ی فعالیت‌های اکوتوریسم کدامند؟

یافته‌های پژوهش

با تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، به شناسایی عوامل درون‌زا و برون‌زای استراتژیک حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه پرداخته‌ایم که مهم‌ترین آن‌ها در جدول زیر آمده است.

جدول شماره‌ی یک- عوامل درون‌زا و برون‌زای استراتژیک حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه

فرصت‌ها	تهدیدات	ضعف‌ها	قوت‌ها	زمینه
- احیای اکولوژیکی دریاچه - پتانسیل ایجاد پارک‌های صلح و دوستی در مرز مشترک ایران، عراق و ترکیه - توجه به احیای دریاچه در برنامه‌های توسعه‌ای کشور - توجه ملی و بین‌المللی به دریاچه و حوضه‌ی آن و جلب حمایت مالی در سطح ملی و بین‌المللی از طرح احیای دریاچه	- عدم توجه به ظرفیت‌های توسعه‌ی اکوتوریسم در حوضه و فقدان سرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌های اکوتوریستی - عدم توجه ستاد احیای دریاچه به مباحث اجتماعی و فرهنگی که در نهایت احیای دریاچه را ناپایدار خواهد ساخت. - عدم ثبات در برنامه‌ریزی - سیاست‌های ناکارآمد دولت در حوزه‌ی کشاورزی و تدوین برنامه‌ی توسعه‌ی استان بر مبنای کشاورزی	- عدم ارتباط دفاتر استانی ستاد احیای دریاچه - تمرکز ستاد احیا بر ابعاد اجرایی و مهندسی و غفلت از سایر ابعاد - تمرکز صرف بر احیای دریاچه و عدم توجه به مدیریت آبی آن - تعدد سازمان‌های مختلف در مدیریت حوضه	- تدوین برنامه‌ی مدیریتی زیست‌محیطی برای تالاب سولدوز با تأکید بر توسعه‌ی اکوتوریسم - تدوین برنامه‌ی مدیریتی جامع دریاچه‌ی ارومیه و زون‌بندی مناطق حساس تنوع زیستی	مدیریت کلان

ادامه‌ی جدول شماره‌ی یک- عوامل درونزا و برونزای استراتژیک حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه

زمینه	قوت‌ها	ضعف‌ها	تهدیدات	فرصت‌ها
مدیریت محلی	- وجود دو مجتمع توریستی باری و چپی چست - وجود اولین سایت پرندنگری کشور در تالاب کانی برازان - رابطی مثبت و نزدیک مردم با دهیاران و شوراها و اعتماد به آن‌ها	- سیستم ناکارآمد آبیاری در کشاورزی منطقه - احداث چاه‌های عمیق غیرمجاز - عدم شناخت نیازهای محلی - عدم آشنایی سازمان‌های محلی با اکوتوریسم و فقدان متخصصان اکوتوریسم در دفاتر آژانس‌های گردشگری - عدم توجه شوراها به مسائل اجتماعی و فرهنگی و توجه صرف به امور عمرانی	- تغییر کاربری اراضی در حاشیه‌ی دریاچه و تبدیل آن‌ها به ویلا - تغییر الگوی کشت از غلات به محصولات باغی - برداشت نامناسب نمک از دریاچه و تولید گرد و غبار نمکی	- پتانسیل ایجاد جشنواره‌های محلی نظیر تهیه‌ی شیرهدی انگور - تقویت ارزش درمانی دریاچه
جامعه‌ی محلی (اجتماعی و فرهنگی)	- تنوع فرهنگی و قومی حوضه‌ی دریاچه - غنای تاریخی و فرهنگی حوضه - برخورداری از صنایع دستی متنوع نظیر قالی‌بافی، معرق‌کاری، مینت‌کاری، جاجیم و گلیم‌بافی، منجیق‌دوزی، بافت جوراب‌های پشمی، شال گردن و کلاه - تمایل به کمک به حفظ حیات وحش منطقه در جهت توسعه‌ی اکوتوریسم - ویژگی مهمان‌نوازی مردم منطقه	- تغییر بافت کالبدی و اجتماعی روستاها	- افزایش انزوا و ناامیدی - عدم احساس امنیت برای گردشگران - تفاوت‌ها و ناسازگاری‌های بین قومی مانعی برای اجرای برنامه‌ی واحد در همه‌ی نقاط حوضه است.	- مدیریت محلی - مدیریت مردم

ادامه‌ی جدول شماره‌ی یک- عوامل درون‌زا و برون‌زای استراتژیک حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه

فرصت‌ها	تهدیدات	ضعف‌ها	قوت‌ها	زمینه
	- طوفان‌های نمکی و بیماری‌های ناشی از آن - تغییرات اقلیمی - وجود نمک موجب انعکاس نور و افزایش دمای منطقه می‌شود.	- تأثیر خشکی دریاچه بر افزایش نمک و شوری دریاچه که این امر موجب از بین رفتن اکوسیستم دریاچه شده است.	- وجود تالاب‌های اقماری - وجود جزایر متعدد در دریاچه - وجود گونه‌های متنوع پرندگان مهاجر و پستانداران - تنوع منابع زیستی غنی - وجود پارک ملی در دریاچه - پتانسیل لجن درمانی و نمک‌درمانی - دریاچه به‌عنوان ذخیره‌گاه زیست کره که دارای شش سایت رامسر است.	محیط طبیعی و فیزیکی (محیطی-اکولوژیکی)

با استفاده از ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) و عوامل داخلی (IFE)، امتیازدهی به عوامل برون‌زا و درون‌زا، انجام مراحل مختلف تکنیک‌های مورد نظر و بر اساس نتایج ارزیابی عوامل درونی و بیرونی، به مناسب‌ترین نوع استراتژی توسعه‌ی اکوتوریسم در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه که از نوع WO است، دست یافتیم. بر پایه‌ی استراتژی‌های انطباقی، تصمیم‌گیران در پی آن هستند که از طریق رفع ضعف‌ها و محدودیت‌ها، از فرصت‌های موجود نهایت استفاده را به‌عمل آورند. این امر به معنای رفع ضعف‌ها و تنگناها از طریق بهره‌گیری از فرصت‌های پیش رو است.

تصمیم‌گیری با ماتریس کمی‌سازی برنامه‌ریزی استراتژیک (QSPM)

با توجه به تأیید استراتژی‌های WO به‌عنوان استراتژی مناسب در راستای اهداف تحقیق و با عنایت به مجموعه ضعف‌ها و فرصت‌های دریاچه‌ی ارومیه در جهت توسعه‌ی اکوتوریسم، استراتژی‌های WO قابل طرح عبارتند از:

WO1= استراتژی شکل‌گیری مدیریت یکپارچه با کارکرد بین استانی احیای دریاچه‌ی ارومیه در راستای نیل به توسعه‌ی پایدار حوضه زیر نظر ریاست جمهوری: هماهنگ‌سازی اهداف، سیاست‌ها و اقدامات بخش‌های مختلف اجرایی و حرکت هم‌سو در مدیریت یکپارچه‌ی حوضه با کارکرد بین استانی زیر نظر ریاست جمهوری.

WO2= استراتژی تشکیل ستاد مدیریت بین‌المللی برای دریاچه‌ی ارومیه: تسهیل و بسترسازی به منظور افزایش همکاری‌های بین‌المللی و جلب منابع مالی برای پروژه‌های عمرانی و اقتصادی- اجتماعی از طریق جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی.

WO3= استراتژی توانمندسازی جامعه‌ی محلی در راستای تقویت اقتصاد محلی و توسعه‌ی اجتماعی: افزایش سطح آگاهی و مشارکت جامعه‌ی محلی در زمینه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و توسعه‌ی نهادهای محلی برای تقویت سرمایه‌ی اجتماعی.

WO4= استراتژی احیای اکوتوریسم دریاچه بر مبنای ارزیابی توان اکولوژیک و شناسایی اولویت‌بندی پهنه‌ها: به منظور توسعه‌ی اکوتوریسم در دریاچه‌ی ارومیه و اطراف آن باید ارزیابی توان اکولوژیک و اولویت‌بندی پهنه‌ها برای توسعه‌ی این کاربری صورت گیرد و سپس بر اساس ارزیابی توان منطقه، برنامه‌ریزی مناسب برای توسعه‌ی اکوتوریسم در منطقه ارائه گردد.

اولویت‌بندی راهبردهای مؤثر به لحاظ میزان اثربخشی و انتخاب استراتژی بهینه می‌تواند مسیر روشن و ساده‌ای برای اجرای پیشنهادها فراهم سازد. از این رو، در تحقیق حاضر از ماتریس کمی‌سازی برنامه‌ریزی استراتژیک QSPM برای شناسایی استراتژی بهینه استفاده شده است.

با در نظر گرفتن میزان جذابیت و اثربخشی هریک از چهار استراتژی کلان پیشنهادی WO درباره‌ی همه‌ی عوامل درون‌زا و برون‌زا در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه، استراتژی مدیریت یکپارچه‌ی احیای دریاچه‌ی ارومیه در راستای نیل به توسعه‌ی پایدار حوضه - هماهنگ‌سازی اهداف، سیاست‌ها و اقدامات بخش‌های مختلف اجرایی و حرکت هم‌سو در مدیریت یکپارچه‌ی حوضه ($\bar{X} = 6/39$) - به‌عنوان مناسب‌ترین استراتژی توسعه‌ی اکوتوریسم در حوضه‌ی دریاچه پیشنهاد می‌شود.

در این بخش با توجه به هدف تحقیق حاضر، با استفاده از استراتژی کلیدی WO1 به ارائه‌ی استراتژی‌های بخشی اکوتوریسم در راستای استراتژی کلان مورد نظر خواهیم پرداخت.

استراتژی‌های بخشی در راستای توسعه‌ی اکوتوریسم در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه

تهیه‌ی آسناد آمایشی: آسناد آمایشی، سندهایی هستند که در جهت اهداف و چشم‌اندازهای بلندمدت ناحیه‌ای با در نظر گرفتن تعادل اقتصادی-اکولوژیک و اجتماعی و بر اساس قابلیت اراضی در راستای توسعه، نوعی پهنه‌بندی انجام می‌دهند تا استفاده از فضای سرزمین را مشخص کنند؛ به نحوی که تضمین‌کننده‌ی نوعی توسعه‌ی پایدار شوند. لازم است کاربری اراضی حوضه‌ی دریاچه که شامل نقشه‌ی کاربری زمین‌ها و پهنه‌های آن می‌شود، تعیین و تنظیم گردد. در برنامه‌ریزی کاربری اراضی باید همه‌ی کاربری‌ها را به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار داد. تنها از این طریق می‌توان مطمئن شد که حفظ محیط زیست و توریسم قربانی سایر بخش‌های صنعتی نشده است؛ به‌عنوان نمونه، در طرح‌های کاربری اراضی باید از آب، دریا و به‌ویژه رودخانه‌ها در مقابل آلودگی صنعتی و کشاورزی، محافظت کرد. اکوتوریسم بدون مدیریت کارآمد، هرگز پایدار نخواهد بود. سایت‌های اکوتوریستی از لحاظ اکولوژیک بسیار حساس و شکننده هستند. در نتیجه، تأثیرات توریسم می‌تواند بسیار منفی باشد، مگر آن‌که مدیریت سیستماتیک صورت گیرد. بنابراین، باید شاخص‌هایی برای اکوتوریسم پایدار طراحی کرد و اثرات آن را مورد نظارت و پایش قرار داد.

به‌علاوه، لازم است زون‌بندی برای استفاده‌ی بازدیدکنندگان صورت گیرد. زون‌بندی مناسب برای سایت اکوتوریسم، در سایر استراتژی‌های مدیریت، نقشی اساسی دارد. تعداد و نوع زون‌ها به عوامل مختلفی چون اهداف و اولویت‌های سایت و کیفیت و تنوع منابع طبیعی و فرهنگی موجود در سایت بستگی دارد. برای توسعه‌ی اکوتوریسم در منطقه، در وهله‌ی اول باید نسبت به زون‌بندی پهنه‌های مختلف در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه متناسب با استعدادها و محدودیت‌ها، اقدام کرد؛ به‌عنوان مثال، وجود تالاب‌های فراوان در حاشیه‌ی جنوبی دریاچه می‌تواند زون مناسبی برای پرندنگری فراهم سازد.

اکوتوریسم و طرح حفظ محیط زیست باید با هم به صورت یکپارچه مورد توجه قرار گیرند. مناطقی را که هم از لحاظ حفظ محیط زیست و هم از لحاظ فعالیت اقتصادی مردم محلی، دارای ارزش زیادی هستند، نه تنها باید به‌عنوان منطقه‌ی حفاظت‌شده تعریف کرد، بلکه باید به یک سایت

اکوتوریستی تبدیل نمود. با این اقدام، بین حفظ محیط زیست و توسعه، توازن برقرار می‌شود. به‌علاوه، این اقدام موجب مشارکت مردم محلی در حفظ محیط زیست می‌گردد. بخش گردشگری باید به اندازه‌ی کافی از مدیریت زیست‌محیطی برخوردار باشد تا تأثیر منفی گردشگری بر محیط طبیعی و فرهنگی به حداقل ممکن تقلیل یابد. به‌همین منظور، در برخی کشورها برای بسیاری از پروژه‌های بزرگ گردشگری، ارزیابی مستقل تأثیر زیست‌محیطی صورت می‌گیرد. هم‌چنین می‌توان در قوانینی که برای سیاست‌های آمایشی تدوین می‌شود، به فعالیت‌های سازمان‌یافته‌ای نظیر آژانس‌های گردشگری که کدهای زیست‌محیطی را رعایت می‌کنند، توجه ویژه‌ای داشت. استفاده از سیستم پاداش و تخفیف مالیاتی برای آژانس‌های گردشگری‌ای که دارای عملکرد زیست‌محیطی خوبی هستند و نیز استفاده از ابزار جریمه، لغو مجوز فعالیت یا ممنوعیت تبلیغات برای آژانس‌هایی که عملکرد زیست‌محیطی ضعیفی دارند، از جمله‌ی این سیاست‌ها می‌تواند باشد. در مجموع، می‌توان گفت اکوتوریسم فقط زمانی به توازن بین حفظ محیط زیست و توسعه دست می‌یابد، که به‌خوبی طراحی و مدیریت شود.

توسعه‌ی محصولات گردشگری یا متنوع‌سازی محصولات: با توجه به قوت‌ها و فرصت‌های موجود در حوضه‌ی مورد مطالعه، محصولاتی که می‌توان از آن‌ها برای توسعه‌ی اکوتوریسم استفاده کرد، شامل موارد زیر است:

الف) پرندنگری: مقصود از پرندنگری، مشاهده و شناسایی پرندگان در زیست بوم اصلی آن‌هاست؛ به‌عبارت دیگر، پرندنگری به معنای سفر به قصد مشاهده‌ی پرندگان است که از مؤلفه‌های اصلی گردشگری حیات وحش^۱ محسوب می‌شود و افراد با هر سطحی از سلامتی و دانش می‌توانند به این فعالیت بپردازند. بسیاری از کشورها در پی ترویج پرندنگری هستند؛ یعنی، انجام سفر به مکان‌هایی که زندگی پرندگان را به‌وفور می‌توان مشاهده کرد. بخش زیادی از گردشگرانی که از کشورهای خارجی به استرالیا وارد می‌شوند، به قصد مشاهده‌ی پرندگان به این سفر مبادرت می‌کنند.

ب) جشنواره‌ی انگور و شیره‌ی انگور و سایر محصولات نظیر حلوا، نقل و عرق بادرنجبویه: در چند سال گذشته، مسؤولان محلی در تلاش بودند تا با استفاده از جایگاه انگور در فرهنگ و اقتصاد محلی، اقداماتی برای برگزاری جشنواره‌های انگور انجام دهند. این جشنواره‌ها فرصتی برای

^۱ Wildlife Tourism

معرفی سایر محصولات نیز فراهم می‌آورند. افزون بر این، معرفی موسیقی و رقص محلی، یکی از مؤلفه‌های جذاب در این جشنواره‌ها بوده است.

مسیر جاده‌ی ابریشم: راه ابریشم گذرگاه تجاری پرآوازه‌ای است که چگونگی داد و ستد فرهنگی شرق و غرب، در این راه قابل مشاهده است. جاده‌ی ابریشم، راه بازرگانی قدیمی‌ای بود که از چین واقع در شرق دور، آغاز می‌شد و تا دریای مدیترانه در غرب امتداد می‌یافت. نکته‌ی قابل توجه آن است که علاوه بر کالاهای بازرگانی، اندیشه‌ها و فرهنگ‌های ملت‌ها و اقوام گوناگون از طریق این جاده به دیگر کشورها منتقل می‌شد. در واقع، راه ابریشم بیانگر تمدن قدیم مشرق‌زمین است. مسیر جاده‌ی ابریشم از شهرهایی نظیر تبریز و خوی عبور می‌کند. بنابراین، وجود چنین ظرفیتی می‌تواند زمینه‌ی مناسبی برای جذب گردشگر داخلی و خارجی باشد. از این پتانسیل می‌توان برای معرفی سایر جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی موجود در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه نیز استفاده کرد.

گردشگری روستایی: در صورت حفظ بافت‌های روستایی، می‌توان از این بافت‌ها برای توسعه‌ی گردشگری روستایی استفاده نمود. به‌علاوه، رونق گردشگری روستایی می‌تواند به حفظ بافت روستایی و جلوگیری از مهاجرت‌های روستایی کمک کند. متأسفانه به علت خشک شدن دریاچه، در برخی از روستاهای اطراف آن شاهد مهاجرت‌های گسترده‌ی روستاییان به شهرهای بزرگی نظیر تبریز و ارومیه هستیم. کوشش برای ترویج گردشگری روستایی می‌تواند این روند را تغییر دهد.

ترویج و توسعه‌ی بازارهای گردشگری محلی تا بین‌المللی: در طرح‌های اکوتوریسم باید هم به فکر بازاریابی محلی برای جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی و هم به فکر بازاریابی بین‌المللی برای میراث طبیعی و فرهنگی بود تا بتوان بخش گردشگری را در عرصه‌ی جهانی رقابت‌پذیر ساخت. با عنایت به نگاه جهانی‌ای که در حال حاضر نسبت به دریاچه‌ی ارومیه وجود دارد، این دریاچه در کانون توجه جهانی قرار گرفته و به‌عنوان بحرانی بین‌المللی، نوعی جاذبه ایجاد کرده است. همین مسأله، فرصتی برای جذب توریست است.

استراتژی توانمندسازی جامعه‌ی مدیران و مردم محلی (توسعه‌ی خدمات گردشگری): بخشی از توانمندسازی، افزایش آگاهی و دانش محیطی و گردشگری و بخشی از آن نیز افزایش سطح مهارت‌های شغلی در بخش خدمات گردشگری است که نوعی توانمندسازی اقتصادی است. بنابراین، در استراتژی توانمندسازی می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

- افزایش آگاهی‌ها و دانش محیطی و گردشگری (جامعه‌ی محلی و مدیران): در این زمینه برای رسیدن به اهداف اکوتوریسم باید منابع انسانی را توسعه داد. در مراحل اولیه‌ی توسعه‌ی اکوتوریسم، مردم محلی دانش و مهارت اندکی درباره‌ی اکوتوریسم دارند، به همین سبب باید برنامه‌های آموزشی و کارورزی برای تربیت نیروی انسانی متخصص طراحی کرد. ضروری است به مدیران و مردم محلی درباره‌ی عرضه‌ی صنایع دستی و فرهنگی خود به توریست‌ها و این مسأله که چه چیزی برای آن‌ها جذابیت دارد، آموزش‌های لازم ارائه شود. در طرح اکوتوریسم باید به آموزش زیست‌محیطی نیز پرداخت تا بتوان احترام به طبیعت و فرهنگ را در میان گردشگران داخلی و خارجی توسعه داد.

- ارتقای سطح مهارت‌های شغلی در بخش خدمات گردشگری (افزایش مهارت‌های کارآفرین): یکی از اهداف اصلی اکوتوریسم، درآمدزایی برای حفظ محیط زیست و کمک به معیشت اجتماع محلی است. میزان درآمدزایی یک سایت تا حدّ زیادی به اهمیت آن به عنوان مقصد گردشگری و نیز به مدیریت سایت و بازاریابی آن، بستگی دارد. البته باید توجه داشت که درآمدزایی هرگز نباید خود به یک هدف تبدیل شود، بلکه حفظ سایت باید هدف نهایی باشد. در اجرای این استراتژی، نقش آژانس‌های گردشگری و سازمان‌های غیردولتی برای مدیریت و بازاریابی سایت‌های اکوتوریستی در اطراف دریاچه‌ی ارومیه بسیار مهم است. مکانیسم‌هایی باید طراحی کردند تا علاوه بر تضمین کسب درآمد، این اطمینان ایجاد شود که این درآمد برای بهبود معیشت مردم محلی ساکن در اطراف دریاچه و نیز در جهت حفظ محیط زیست دریاچه هزینه می‌گردد. در راستای تحقق این استراتژی باید به موارد زیر توجه کرد:

الف) راهنمایان طبیعت‌گرا به مثابه کانون اکوتوریسم: اغلب فعالیت‌های اکوتوریستی در مناطق طبیعی دور روی می‌دهد؛ یعنی، در مناطقی که بازدیدکنندگان بدون وجود یک راهنمای مطلع و باتجربه نمی‌توانند درک کاملی از جاذبه‌های سایت داشته باشند. موفقیت اکوتوریسم تا حدّ زیادی به مهارت و توانایی راهنمایانی بستگی دارد که بتوانند طبیعت و محیط را به گونه‌ای الهام‌بخش برای بازدیدکننده تفسیر و معنا کنند. این راهنمایان می‌توانند در کاهش اثرات منفی گردشگری بر طبیعت نیز نقش مهمی داشته باشند. در اجرای موفقیت‌آمیز این استراتژی در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه، نقش نهادهای علمی و آموزشی و سازمان‌های مردم‌نهاد بسیار اهمیت دارد. بدون وجود راهنمایان آموزش‌دیده نمی‌توان مطمئن بود که حضور گردشگران، تهدیدی جدیدی برای محیط شکننده‌ی دریاچه‌ی ارومیه و اطراف آن ایجاد نخواهد کرد.

ب) برنامه‌ریزی و طراحی سایت بازدیدکنندگان: در بیش‌تر سایت‌های اکوتوریستی، استفاده‌ی بازدیدکنندگان فقط محدود به چند محلّ خاص است که به آن سایت بازدیدکنندگان می‌گویند. هدف این کار، کاهش اثرات منفی گردشگری بر محیط طبیعی است. به سبب تمرکز افراد و زیرساخت‌ها در چند محلّ خاص، این محل‌ها را باید بسیار دقیق برنامه‌ریزی کرد. در این زمینه، لازم است در اطراف دریاچه‌ی ارومیه نسبت به تعریف و تعیین سایت‌های بازدید برای اکوتوریست‌ها اقدام شود.

ج) طراحی و توسعه‌ی زیرساخت‌های پایدار: اجرای فعالیت‌های اکوتوریستی مستلزم زیرساخت‌های خاصی است که با گردشگری مرسوم و رایج، متفاوت باشد. در مناطق طبیعی، زیرساخت‌های اکوتوریستی باید در انطباق کامل با محیط پیرامون باشد؛ هم‌چنین باید از منابع تجدیدپذیر انرژی استفاده کرد و مدیریت پسماند و زباله بدون آسیب به محیط اطراف صورت گیرد. بدین ترتیب پس از تعیین سایت‌های بازدید اکوتوریستی در اطراف دریاچه‌ی ارومیه باید اقدامات لازم برای طراحی و ساخت زیربنای مناسب فعالیت‌های اکوتوریستی صورت پذیرد. در اجرای این استراتژی، نقش سازمان‌های دولتی برای فراهم‌سازی این زیرساخت‌ها به منظور حضور سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، بسیار مهم است. نمی‌توان انتظار داشت که بخش خصوصی به‌تنهایی از عهده‌ی الزامات فنی و مالی تأمین این زیرساخت‌ها برآید.

د) مدیریت و پایش تأثیر بازدیدکنندگان: این امر، واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است که ورود هر شخصی به سایت اکوتوریستی، تأثیراتی منفی به دنبال دارد. مدیریت اکوتوریسم باید بکوشد این تأثیرات را به حداقل رساند و اقداماتی انجام دهد که اثرات مثبت بیش‌تر از اثرات منفی شوند. مدیریت و پایش اثرات بازدیدکنندگان، یکی از استراتژی‌های اساسی برای مدیریت اکوتوریسم است. اگر اثرات فعالیت‌های اکوتوریستی بر محیط طبیعی سایت و اجتماع محلّی آن نامشخص و پنهان باشد، هیچ تضمینی برای موفقیت وجود ندارد. موفقیت این استراتژی در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه به این امر بستگی دارد که مدیریت و پایش سایت اکوتوریستی تا چه اندازه با رعایت استانداردهای علمی صورت می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، در پی دستیابی به اهداف زیر بوده‌ایم:

الف) شناسایی ظرفیت‌های توسعه‌ی اکوتوریسم در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه با توجه به اجتماع محلی؛ در طی حضور محقق در منطقه و با مشاهدات و مصاحبه‌های فراوان صورت‌گرفته، به ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه‌ی منطقه دست یافتیم. در این زمینه می‌توان گفت حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه هم از لحاظ موقعیت جغرافیایی خاص و هم از لحاظ بافت جمعیتی، دارای ظرفیت‌های فراوانی در جهت توسعه‌ی اکوتوریسم و در نتیجه، توسعه‌ی پایدار است. در این راستا، یکی از ظرفیت‌های حوضه برای توسعه‌ی اکوتوریسم، تالاب‌های اقماری دریاچه هستند که از تنوع زیستی (گیاهی و جانوری) منحصر به فردی برخوردارند و جامعه‌ی محلی نیز به اهمیت آن پی برده و با تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد در روستاهای اطراف تالاب‌ها، خود به حفاظت و حراست از آن می‌پردازد. یکی از فعالیت‌های اکوتوریستی در تالاب‌ها می‌تواند پرندنگری باشد. وجود تعداد زیادی پرنده‌ی مهاجر که در طول سال در این تالاب‌ها سکونت دارند، زمینه‌ی مناسبی برای پرندنگری فراهم کرده است. در کنار این فعالیت، می‌توان تمهیدات لازم را برای رونق اقتصاد جامعه‌ی محلی اندیشید.

یکی دیگر از ظرفیت‌های حوضه در زمینه‌ی اکوتوریسم می‌تواند برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و سنتی باشد. در این زمینه می‌توان از پتانسیل‌های انگور به‌عنوان محصولی کشاورزی که واجد ارزش تاریخی و فرهنگی است نیز استفاده کرد. به‌علاوه، وجود تنوع فرهنگی و قومی، این ظرفیت را پدید آورده که بتوان فعالیت‌های مختلفی را در زمینه‌ی گردشگری روستایی تعریف نمود و از این طریق، ضمن جلوگیری از روند مهاجرت روستاییان، به معرفی منطقه و رونق اقتصاد اجتماع محلی کمک کرد. هم‌چنین، با توجه به قرار گرفتن حوضه در مسیر جاده‌ی ابریشم و جلب توجه جهانی به شرایط خاص دریاچه‌ی ارومیه، می‌توان از این وضعیت به‌عنوان فرصتی برای توسعه‌ی اکوتوریسم بین‌المللی به منظور جذب گردشگر خارجی استفاده نمود.

ب) ارائه‌ی استراتژی‌های کارآمد برای احیای اجتماعی-اقتصادی دریاچه‌هایی که با خشکی مواجه هستند؛ بر اساس نتایج ارزیابی عوامل درونی و بیرونی، به‌نظر می‌رسد مناسب‌ترین استراتژی برای احیای اجتماعی-اقتصادی حوضه‌ی دریاچه، از نوع استراتژی‌های انطباقی است. بر پایه‌ی این استراتژی، لازم است از طریق رفع ضعف‌ها و محدودیت‌های حوضه، نهایت استفاده را از فرصت‌های موجود به‌عمل آورد.

کارآمدترین استراتژی در این زمینه، شکل‌گیری مدیریت یکپارچه در راستای نیل به توسعه‌ی پایدار حوضه زیر نظر عالی‌ترین مقام اجرایی کشور است. این امر به معنای هماهنگ‌سازی اهداف، سیاست‌ها و اقدامات بخش‌های مختلف اجرایی و حرکت هم‌سو در مدیریت یکپارچه‌ی حوضه با کارکرد منطقه‌ای است. با این نوع استراتژی می‌توان سیاست‌ها و اقدامات بخش‌های مختلف نظیر کشاورزی، صنعتی و خدماتی را با یکدیگر هم‌سو کرد. بنابراین، با مدیریت یکپارچه و توانمندسازی جامعه‌ی محلی می‌توان به پایداری اقتصادی و اجتماعی در منطقه دست یافت.

یکی از مکانیسم‌های احیای اجتماعی-اقتصادی می‌تواند توسعه‌ی اکوتوریسم در منطقه باشد. اکوتوریسم که در سراسر جهان به یک فعالیت مهم اقتصادی تبدیل شده، می‌تواند فرصت بی‌نظیری برای مردم فراهم سازد تا تجلیات باشکوه طبیعت و فرهنگ را تجربه کنند و نکات ارزشمندی درباره‌ی اهمیت حفظ تنوع زیستی و فرهنگ محلی بیاموزند. در عین حال، اکوتوریسم می‌تواند منبع درآمدی برای کمک به معیشت مردم محلی و نیز برای تأمین مالی برنامه‌های حفظ محیط زیست فراهم کند.

در خصوص جامعه‌ی مورد تحقیق در پژوهش حاضر، اجرای برنامه‌های اکوتوریستی در این حوضه می‌تواند به موارد ذیل کمک کند: ۱. کاهش تهدیدات تنوع زیستی در حوضه؛ ۲. استفاده‌ی پایدار از منابع طبیعی حوضه‌ی دریاچه؛ ۳. تأمین درآمد مستقیم برای حفظ منطقه‌ی حفاظت‌شده؛ ۴. تأمین درآمد مستقیم و غیرمستقیم برای ذی‌نفعان محلی و در نتیجه، افزایش انگیزه‌ی حفظ محیط زیست در اجتماع محلی.

برای نیل به پتانسیل‌های اکوتوریسم در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه، نیاز به فرایند برنامه‌ریزی اکوتوریسم است تا از آن بتوان به‌مثابه استراتژی قدرتمندی برای حفظ محیط زیست استفاده کرد. تنها از طریق یکپارچه‌سازی برنامه‌های توسعه‌ی اکوتوریسم با برنامه‌های حفاظت محیط زیست می‌توانیم اطمینان یابیم که قادر به دستیابی به اهداف توسعه‌ی پایدار هستیم. اگرچه اکوتوریسم، مدیریت حفظ محیط زیست و توسعه‌ی کسب‌وکار، حوزه‌هایی جدا از هم هستند، اما در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند. بنابراین، هرگونه برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی اکوتوریسم در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه مستلزم توجه به این درهم‌تنیدگی است.

از یک‌سو ضروری است طرفداران حفظ محیط زیست، فهم عمیق‌تری نسبت به ملاحظات اقتصادی داشته باشند و از سوی دیگر، لازم است طرفداران فعالیت‌های مالی و اقتصادی اطمینان بیش‌تری نسبت به پایداری فعالیت‌های اقتصادی خود کسب کنند. ترکیب این دو دیدگاه محیط

زیستی و اقتصادی، از الزامات اصلی هرگونه برنامه‌ی اکوتوریستی موفقیت‌آمیز در حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه است.

به موازات رشد اکوتوریسم، اهمیت برنامه‌ریزی اکوتوریسم نیز افزایش یافته است. لازم است برای هریک از جاذبه‌های طبیعی، برنامه و استراتژی اکوتوریسم خاصی طراحی و اجرا شود. این استراتژی‌ها باید تطابق کاملی با کارکرد خاص هر جاذبه داشته باشند.

منابع

۱. آقایی، واحد (۱۳۹۰) «توسعه‌ی اکوتوریسم استان اردبیل با استفاده از روش برنامه‌ریزی استراتژیک»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی برنامه‌ریزی توریسم، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲. احمدی، صغری (۱۳۸۸) «امکان‌سنجی و برنامه‌ریزی اکوتوریسم در تالاب چغاخور»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی جغرافیا-گرایش برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.
۳. برنامه‌ی مدیریت جامع دریاچه‌ی ارومیه (۱۳۸۹) تهیه‌شده با همکاری ارگان‌های دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و جوامع محلی حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه.
۴. برومند امید، میترا (۱۳۹۲) «تأثیر مشارکت مردم محلی بر توسعه‌ی اکوتوریسم (بخش اطاقور شهرستان لنگرود)»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی جغرافیا-گرایش اکوتوریسم، دانشگاه علم و فرهنگ.
۵. حسونند، عباس (۱۳۹۰) «تحلیل و برنامه‌ریزی توسعه‌ی اکوتوریسم با تأکید بر آبشارهای استان لرستان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم، دانشگاه اصفهان.
۶. زنده‌دل، حسن و همکاران (۱۳۸۷) راهنمای دریاچه‌های ایران، تهران: ایرانگردان.
7. Abbaspour, M., & Nazaridoust, A (2007) Determination of environmental water requirements of Lake Urmia, Iran: An ecological approach, **International Journal of Environmental studies**, 64(2), 161-169.
8. Alaeddinoglu, F. & Ali Selcuk Can (2010) Identification and Classification of Nature-based Tourism Resources: Western Lake Van Basin Turkey, **The 2nd International Geography Symposium GEOMED**.
9. Galaher, Joana (2007) Ecotourism's Contribution to the Social-ecological Resilience of Protected Areas and Local Communities, **Catchment and Lake Research**, 193-194.
10. Hayombe, O. et al (2014) Socio-cultural Capital for Ecotourism Promotion and Community in Kenya, **International Journal of Humanities and Social Sciences**, Vol. 4, No. 11, pp. 112-125.
11. Zhao, Xi (2012) **Opportunities for Ecotourism Development in the Redberry Lake Biosphere Reserve**, Master of sustainable Environment, University of Saskatchewan, Canada.